

درس هشتم: آزادگی

نگاهی کلی به محتوا و ساختار درس آزادگی

مفهوم و محتوای فکری:

شعر بر شکرگزاری انسان در برابر داده های پروردگار و عزت نفس انسان تاکید دارد. قناعت و خشنودی را از ویژگی انسان های آزاده و عارف می داند و آدمی را از غرور و طمع بر حذر می دارد، همچنین در این شعر با انسان کاملی روبرو می شویم که به توانایی های خود تکیه می کند و نیازمندی و وابستگی به دیگران را پسندیده نمی داند و در همه حال از پروردگار یاری می طلبد.

قلمرو ساختاری:

شعر در قالب «مثنوی» سروده شده است. وجود کلمات دشوار، آرایه های فراوان ادبی و جا به جایی اجزای جمله درک شعر را کمی دشوار کرده است.

لحن درس:

لحن شعر داستانی (روایی) می باشد و این گونه متن ها معمولا با آهنگ نرم و کشش آوایی خوانده می شوند بنابراین باید به گونه ای خوانده شود که میل و رغبت شنونده را به شنیدن ادامه آن برانگیزد و شوقی همراه با انتظار در شنونده ایجاد کند.

افتادگی: تواضع و فروتنی در اینجا ناتوانی وضعف	چاشت: یک قسمت از چهار قسمت روز که در آن چیزی یخورند	درشت: زبر، خشن، ناهموار، دشوار، سخت
عزیزی: بزرگی، بزرگواری، ارجمندی	بالین: بالش، آنچه هنگام خواب زیر سر می نهند	چرخ: آسمان، فلک } پیشینیان آسمان را مانند چرخ گردان می دانستند و آن را چرخ می نامیدند. }
دلق: نوعی جامه پشمین که فقیران می پوشند، جامه	عطا: بخشش، انعام	بنهادی: نشاندی، قرار دادی
حد: اندازه	دولت: اقبال و نیک بختی	فرازنده: بلند کننده، افرازنده، برپاکننده، بالاکننده
پشته: انبوه، توده	خس: خاشاک، شخص پست و فرومایه	رخش: نام اسب رستم، در اینجا به معنی اسب

فلان : بهمان ، واژه ای است برای اشاره به شخص غیر معلوم	پندار : وهم ، گمان ، فکر	خرف : کم عقل ، تباهی خرد بر اثر زیادی سن
زین سان : به این گونه ، به این صورت	گوهر : اصل ، نژاد ، ذات ، سرشت ، در اینجا سنگ قیمتی	ثنا : ستایش ، شکر
خמוש : مخفف خاموش ، ساکت ، آرام	سفتن : سوراخ کردن	نژند: اندوهگین ، غمناک ، سرد و بی روح
جیب : گریبان ، یقه	خوار : زبون ، پست	عزت: ارجمندی ، سرافرازی ، عزیز
نوازنده : آنکه نوازش و مهربانی کند	لحن: آهنگ	خس : شخص پست و فرومایه ، ناچیز

بیت اول : خارکش پیری با دلخ درشت پشته ای خار همی برد به پشت

قلمرو معنایی : پیری خارکش با لباس های پشمی و خشن و فقیرانه ای ، توده ای خار را بر پشت خود حمل می کرد .

قلمرو ادبی : خار ، خارکش ، پشته --> آرایه تناسب // پشت و پشته --> آرایه جناس (ناقص افزایشی) //
واج آرایی با واج صامت (ش)

قلمرو زبانی : بیت دارای یک جمله // خارکش پیر --> ترکیب وصفی مقلوب (پیر خارکش)

خارکش پیری --> نهاد (گروه اسمی) // پشته ای خار --> مفعول (گروه اسمی) // دلخ درشت --> ترکیب وصفی
همی برد --> می برد (ماضی استمراری) // در ترکیب خارکش پیری، خارکش باید ساکن خوانده شود.

بیت دوم : لنگ لنگان قدمی بر می داشت هر قدم دانه ای شکری می کاشت

قلمرو معنایی : لنگ لنگان قدم بر می داشت و در هر قدم خدا رو شکر می کرد .

قلمرو ادبی : واج آرایی با واج صامت (ش) // دانه شکر --> اضافه تشبیهی (شکرگذاری را به کاشتن دانه تشبیه

کرده است. مشبه : شکر مشبه به : دانه

قلمرو زبانی: لنگ لنگان --> قید // قدم --> مفعول (گروه اسمی) // برمی داشت --> فعل گذرا به مفعول و پیشوندی از مصدر برداشتن // دانه شکر --> ترکیب اضافی ، مفعول (گروه اسمی)

بیت سوم : کای فرازنده ی این چرخ بلند /وی نوازنده ی دل های نژند

قلمرو معنایی: معنی واژه به واژه --> ای برپا کننده این آسمان بلند و ای نوازشگر دل های غمگین

مفهوم --> خدا آسمان بلند را برپا کرده است و اوست که نوازش کننده دل های غمگین و افسرده است.

قلمرو ادبی: چرخ بلند --> استعاره از آسمان // واج آرایبی با واج صامت (ن) // نوازنده یک واژه چند معنایی : ۱. به

معنی نوازنده در علم موسیقی ۲. به معنی نوازش کننده ، مهر ورزنده

قلمرو زبانی: بیت دارای دو جمله است . ای --> حرف ندا // فرازنده ی این چرخ بلند --> گروه منادایی (گروه اسمی

// ای --> حرف ندا // نوازنده ی دل های نژند --> گروه منادایی (گروه اسمی) فرازنده --> فرازنده از مصدر

افراشتن // کای --> کوتاه شده ی که ای که به صورت کی خوانده می شود. // وی --> کوتاه شده و

ای که به صورت وی خوانده می شود.

بیت چهارم : کنم از جیب نظر تا دامن /چه عزیزی که نکردی با من

قلمرو معنایی: هنگامی که از سر تا پا (همه وجودم) را نگاه می کنم. درمی یابم که چقدر بزرگواری ها در حق من

انجام داده ای .

قلمرو ادبی: از جیب تا دامن --> مجاز از همه وجود // جیب ، دامن --> تناسب - پرسش تاکید/کنایه (از

جیب تا دامن نظر کردن) : کنایه از به احوالات خود نظر کردن است. /

قلمرو زبانی: تا --> حرف اضافه // جیب و دامن --> متمم // عزیزی --> مفعول (گروه اسمی)

من --> متمم

بیت پنجم : در دولت به رخم بگشادی /تاج عزت به سرم بنهادی

قلمرو معنایی: بخت مانند خانه ای است که تو در آن را به رویم باز کردی (مرا از خوشبختی برخوردار کردی) و

عزت مانند تاجی است که آن را به سرم گذاشتی (به من عزت و سرافرازی بخشیدی)

قلمرو ادبی: در دولت --> اضافه ی استعاری // تاج عزت --> اضافه ی تشبیهی // در دولت به روی کسی گشودن --

< کنایه از به خوشبختی رسیدن // تاج عزت به سر گذاشتن --> کنایه از ارجمندی // تاج ، سر --> تناسب // رخ ،

سر --> تناسب // در ، سر --> جناس (ناقص اختلافی) // دولت یک واژه ی چند معنایی که در طول زمان دچار تحولات معنایی شده و دارای معانی متعددی می باشد.

از جمله : بخت ، اقبال ، جاه و مکنث ، سعادت و امروزه به معنی دولت و هیئت وزیران

بیت ششم : حد من نیست ثنایت گفتن / گوهر شکر عطایت سفتن

قلمرو معنایی: شکر گفتن بخشش های تو در حد توان من نیست. شکر بخشش های تو مانند مرواریدی است که سفتن آن از توان من بیرون است ، یعنی من توانایی شکرِ نعمت های تو را ندارم .

قلمرو ادبی: گوهر شکر --> اضافه تشبیهی // سفتن گوهر شکر --> کنایه از شکر گزاری کردن پروردگار به گونه ای دقیق و پسندیده // گفتن ، سفتن --> جناس (ناقص اختلافی)

قلمرو زبانی: گفتن ثنایت حد من نیست (جمله اول) // سفتن گوهر شکر عطایت حد من نیست (جمله دوم)
// گفتن ثنایت --> نهاد (گروه اسمی) // حد من --> مسند (گروه اسمی) // سفتن گوهر شکر عطایت --> نهاد (گروه اسمی)
حد من نیست در مصرع دوم حذف شده است و بیت دو جمله دارد. ثنایت : ترکیب اضافی (ثنا+تو) // عطایت : ترکیب اضافی (عطا+تو) //

بیت هفتم : نوجوانی به جوانی مغرور / رخس پندار همی راند ز دور

قلمرو معنایی: نوجوانی که به جوانی خود مغرور بود (گویی بر اسب تکبر و غرور سوار بود) و این نشان تکبر و خودپسندی او از دور پدیدار بود.

قلمرو ادبی: رخس پندار --> اضافه تشبیهی (خودپسندی به اسبی مانند شده) (// راندن ، رخس --> تناسب // رخس پندار راندن --> کنایه از تکبر و خودپسندی // واج آرایی : بین حروف (ن) و (ر) //

قلمرو زبانی: بیت یک جمله دارد // نوجوان --> نهاد (گروه اسمی) // رخس پندار --> مفعول (گروه اسمی) // همی راند --> می راند (ماضی استمراری)

بیت هشتم : آمد آن شکرگزاریش به گوش / گفت کای پیر خرف گشته ، خموش

قلمرو معنایی: شکر گزاری پیر خارکش به گوش جوان مغرور رسید . گفت : ای پیر نادان ، ساکت باش

قلمرو ادبی: واج آرایی با واج صامت (ش)

قلمرو زبانی: بیت ۴ جمله دارد. // جمله اول <-- آن شکرگزاری به گوشش آمد <-- ضمیر متصل (ش) در شکرگزاری به آن جوان برمی گردد، نقش مضاف الیه // آن شکرگزاری <-- نهاد (گروه اسمی) // جمله دوم <-- گفت // جمله سوم <-- کای پیر خرف گشته <-- ای <-- حرف ندا

پیر خرف گشته <-- گروه منادایی (گروه اسمی) // جمله چهارم <-- خموش <-- خاموش باش (فعل امری)

بیت نهم: خار بر پشت زنی زین سام گام / دولتت چیست؟ عزیزیت کدام؟

قلمرو معنایی: خار بر پشت داری و اینگونه به سختی راه می روی، سعادت و ارجمندی تو چیست؟

مفهوم <-- تو که اینگونه با سختی راه می روی و خار بر پشت می بری، سعادت و ارجمندی نداری.

قلمرو زبانی: خار بر پشت، زین سان گام زنی <-- گام <-- مفعول // (گروه اسمی) <-- فعل داری در خار بر پشت حذف شده است. / دولتت چیست <-- دولت <-- نهاد (گروه اسمی) // چه <-- مسند

عزیزیت کدام <-- عزیزیت <-- نهاد (گروه اسمی) / اقدام <-- مسند... َ ت بعد از دولت و عزیزیت <-- مضاف الیه و وابسته پسین // دولتت: ترکیب اضافی // عزیزیت: عزیز بودن

بیت دهم: عزت از خواری نشناخته ای / عمر در خارکشی باخته ای

قلمرو معنایی: فرق سربلندی و ذلت را نمی دانی و عمر خود را در کار خار کشیدن، هدر داده ای.

قلمرو ادبی: عزت، خواری <-- تضاد // عمر باختن <-- کنایه از هدر دادن عمر

قلمرو زبانی: بیت دو جمله دارد. در هر دو جمله نهاد محذوف است. // عزت <-- مفعول (گروه اسمی)

عمر <-- مفعول (گروه اسمی) // خارکشی <-- متمم // خوار، خار <-- هم آوا

پیر گفتا که چه عزت زین به / که نی ام بر در تو بالین نه

کای فلان، چاشت بده یا شامم / نان و آبی که خورم و آشامم

بیت اول: قلمرو معنایی پیر گفت: چه عزت و سربلندی بهتر از این که به تو نیازمند نیستم.

مفهوم <-- بالاترین عزت، متکی بودن به خود و محتاج نبودن به دیگران است.

قلمرو ادبی: به، نه <-- جناس (ناقص اختلافی) // در، بر <-- جناس (ناقص اختلافی) // بر در کسی بالین

نهادن <-- کنایه از نیازمند بودن به دیگران

قلمرو زبانی: بیت سه جمله دارد. مصرع اول دو جمله پیر --> نهاد (گروه اسمی) // فعل است از جمله دوم حذف شده است و غیر اسنادی می باشد و ناگذرا // این --> متمم // جمله سوم (که بر در تو بالین نه ، نیستم) در --> متمم // بالین نه --> مسند (گروه اسمی) // زین : مخفف از این // به : بهتر // نی ام : نیستم // کای : مخفف که ای

بیت دوم: قلمرو معنایی: که ای فلانی ، به من چاشت یا شام بده یا نان و آبی بده که بخورم و بیاشامم .

قلمرو ادبی: چاشت ، شام ، آب ، نان ، خورم ، آشامم --> مراعات نظیر // آب ، آشامیدن --> تناسب ، قرینه سازی // نان ، خوردن --> تناسب ، قرینه سازی

قلمرو زبانی: بیت شش جمله دارد. کای فلان --> ای حرف ندا // فلان --> منادا (صفت مبهم برای بیان کسی یا چیزی نامعلوم و زمانی که بدون موصوف بیاید ضمیر مبهم است) .

چاشت بده --> چاشت --> مفعول (گروه اسمی) // یا شامم بده --> شام --> مفعول (گروه اسمی) (م --> متمم // نان و آبی بده --> نان و آب --> مفعول // که خورم (جمله) و اشامم (جمله)

بیت سیزدهم : شکر گویم که مرا خوار نساخت / به خسی چون تو گرفتار نساخت

قلمرو معنایی: خدا را شکر می گویم که من را پست و حقیر نکرد و به شخص فرومایه و پستی چون تو گرفتار نکرد.

قلمرو ادبی: خسی چون تو --> تشبیه (تشبیه تو) (جوان) به خس // تناسب (مراعات نظیر) : خوار و خس

قلمرو زبانی: الگوی جمله ۴ جزئی (نهاد+مفعول+مسند+فعل گذرا) // بیت ۳ جمله دارد // خوار --> مسند (گروه اسمی) // گرفتار --> مسند (گروه اسمی) // نساخت در معنی نکرد // در این جمله نهاد محذوف است // مرا : من را (من : مفعول)

بیت چهاردهم : داد با این همه افتادگی ام / عز آزادی و آزادگی ام

قلمرو معنایی: با این همه ناتوانی و ضعف ام ، عزت آزادی و آزادگی را به من بخشید . آزادی: رهایی، در بند نبودن (از نظر جسمانی) * آزادی: حریت، جوانمردی، نجابت، اصالت

قلمرو ادبی: واج آرایی با (الف) // واج آرایی با (ز) در مصرع دوم // آزادی و آزادگی: جناس

قلمرو زبانی: الگوی جمله (۴ جزئی) --> نهاد + مفعول + متمم + فعل گذرا به مفعول و متمم // بیت ۱ جمله دارد .

سامان یافته --> با این همه افتادگی ام ، عز آزادی و آزادگی را به من داد.

افتادگی --متمم // م در افتادگی --مضاف الیه // عز --مفعول (گروه اسمی) // م آزادگی --متمم (به من {گروه اسمی} / با این همه افتادگی من عز آزادی به من داد.

دانش ادبی

مثنوی

اکنون با یکی از قالب‌های شعر فارسی آشنا می‌شویم. به قافیه‌های شعر این درس توجه کنید. با اندکی دقت متوجه می‌شویم که قافیه‌های هر بیت با بیت دیگر متفاوت است؛ شکل قافیه در این نوع شعر بدین صورت است.

■	■
●	●
▲	▲
■	■

به این قالب شعری، «مثنوی» یا «دو تایی» می‌گویند، چون در هر بیت، هر دو مصراع، هم قافیه هستند. مثنوی، معمولاً بلند و طولانی است و بیشتر برای بیان داستان‌ها از آن بهره می‌گیرند.

از مهم‌ترین مثنوی‌های فارسی، می‌توان «شاهنامه فردوسی»، «بوستان سعدی»، «مثنوی مولوی» و «لیلی و مجنون نظامی» را نام برد.

قالب مثنوی: مثنوی در لغت به معنای دو تایی است. قالب مثنوی به دلیل نو شدن قافیه در هر بیت برای بیان داستان‌های طولانی مناسب است زیرا شاعر در هر بیت قافیه‌ای جداگانه می‌آورد و محدودیت ندارد داستان‌های مثنوی با محتواهای گوناگون سروده می‌شوند. گاهی محتوای اندرزی دارند مانند «بوستان سعدی»، گاهی با مضمون عاشقانه سروده می‌شوند مانند «لیلی و مجنون نظامی»، گاهی حماسی هستند و برای بیان رشادت‌ها و نبرد‌ها نوشته می‌شوند مانند «شاهنامه فردوسی» و یا گاهی با محتوای عرفانی سروده می‌شوند مانند «مثنوی معنوی» مولوی.

نکته:

برخی کلمات به دو شکل به کار می‌روند؛ نظیر «خرف، خرفت» یا «خورش، خورشت» هنگام نوشتن املا، لازم است به نحوه‌ی تلفظ گوینده‌ی این گونه کلمات توجه کافی داشته باشیم.

در آغاز بیت دهم شعر چه فعلی حذف شده است و باید هنگام معنا کردن افزوده شود؟ خار بر پشت، زنی زین سان گام-- خار بر پشت داری، زین سان گام می‌زنی

مصراع دوم از بیت ۱۲ را چگونه باید خواند تا وزن شعر آسیب نبیند؟ و آشامم -- و آشامم

ایستگاه اندیشه:

بر پایه ارتباط معنایی دو واژه «گوهر» و «سُفتن»، چه معنا و مفهومی از بیت پایین

درمی یابید؟

ز گوهر سُفتن استادان هراسند که قیمت مندی گوهر شناسند

نه بینی وقت سُفتن مردِ حکاک به شاگردان دهد در خطرناک؟

نظامی گنجوی

گوهر سفتن، دقت و ظرافت بسیار می خواهد زیرا بسیار ارزشمند است و استادان گوهری، ارزش گوهر را می دانند. تاملی دیگر: آزادگی و کرامت انسانی در بی نیازی از دیگران و یاری خواستن از پروردگار می باشد. انسان آزاده به آنچه دارد قناعت می کند و به داشته ها و توانایی های خود تکیه می کند تا در زندگی به ذلت و پستی گرفتار نشود

تاریخ ادبیات: نورالدین عبدالرحمن جامی: خاتم شعرای قرن نهم

شاعر و نویسنده معروف ایرانی در قرن نهم هجری است. وی به مناسبت محل تولدش ((جام)) و نیز به سبب دوستداری شیخ الاسلام احمد جام، جامی تخلص کرد.

آثار: دیوان اشعار_ هفت اورنگ (شامل هفت مثنوی به تقلید خمسه نظامی)، نفحات الانس و بهارستان

تحول معنایی بعضی از واژگان: دانش افزایی

نمونه واژگانی که معنای پیشین را از دست داده اند و معنای جدید پذیرفته اند:

صحرا: در گذشته به معنی دشت (و جای پر از سرسبز و گیاه، امروزه به معنی) زمین خشک ۲- / کثیف:

در قدیم به معنای غلیظ و تیره (بکار می رفته، امروزه در معنی) ناپاک (/ ۳- سفینه: در قدیم به معنی

(کشتی و دفتر شعر) امروزه) وسیله فضاوردی (/ ۴- پذیرش: در قدیم به معنی) تعهد و فرمانبرداری)

امروزه به معنی) قبول (/ ۵- محضر: در قدیم به معنی) استشهدنامه (امروزه به معنی) دفتر ثبت اسناد (/

۶- باز کردن: در قدیم به معنای) تراشیدن مو (امروزه به معنای) گشودن (/ ۷- مکتب: در قدیم به معنی

(محل علم اندوزی) امروزه به معنی) نظریه ی فلسفی، هنری و ادبی (/ ۸- در رفتن: در قدیم به

معنای) داخل شدن (امروزه به معنی) فرار کردن (/ ۹- هنر: در قدیم به معنای) فضیلت، معرفت، علم (امروزه

به معنی) توان و مهارت خلق زیبایی (/ ۱۰- اطلس: در قدیم) پارچه ی ابریشمی (امروزه به معنی) نقشه ی

جغرافیایی (/ ۱۱- باز گرفت: در قدیم به معنی) نشاند، فراخواند (امروزه به معنی) جلوگیری کرد (/ ۱۲-

شدیم: در قدیم به معنای) رفتیم (امروزه به معنی) گشتم (/ ۱۳- سوادگر: در قدیم به معنای) مشتری،

تاجر (و امروزه به معنی) بدکار و مضر)

۱۴- شوخ: در قدیم به معنی (چرک بدن) و امروزه به معنی (بذله گو) به کار می رود. / ۱۵- جناب: در قدیم به معنی (آستان) امروزه به معنی (حضرت) / ۱۶- مزخرف: در قدیم به معنی (به جواهر آراسته) امروزه به معنی (بیپهوده) / ۱۷- رعنا: در قدیم به معنی (زن احمق و خودآرا) امروزه به معنی (خوش قد و قامت) / ۱۸- تماشا: در قدیم به معنی (گردش کردن) امروزه به معنی (دیدن) / ۱۹- سوگند: در قدیم به معنی (از ترکیبات گوگرد) امروزه به معنی (قسم) / ۲۰- دستور: در قدیم به معنی (وزیر، راهنما، اجازه) امروزه به معنی (فرمان، امر) / ۲۱- کافی: در قدیم به معنی (باکفایت) امروزه به معنی (بس) / ۲۲- دبیر: در گذشته به معنی (نویسنده) امروزه به معنی (معلم) / ۲۳- جناب: در قدیم به معنی (آستان و پیشگاه) امروزه به معنی (عنوانی است برای شخصیت بخشی به افراد) / ۲۴- حدیث: در قدیم به معنی (حرف و سخن معمولی) امروزه به معنی (به روایتی از پیامبر) اطلاق می شود.

روان خوانی آقا مهدی:

محتوای کلی روان خوانی: آشنایی با موضوع دفاع مقدس و دلآوری های رزمندگان و جوانان و نوجوانان سرزمینمان در دوران جنگ تحمیلی. آشنایی با قصه های جبهه و امکاناتی که رزمندگان در اختیار داشتند هم چنین آشنایی با وسایل دفاعی و اصطلاحات مربوط به جنگ
 نوع نثر آن ساده و روان می باشد و آشنایی با برخی از روابط واژگانی نیز از اهداف کلی این درس بوده است که در انتها به روابط واژگانی اشاره خواهد شد.

معنی واژه ها:

انگار: شاید	غلاف: پوشش، محل قرار گرفتن چاقو شمشیر
پوکه: غلاف فشنگ بی سرب و باروت	گردان: واحد نظامی که معمولاً شامل سه گروهان است.
خمپاره انداز: نوعی سلاح جنگی شبیه توپ	گروهان: واحد نظامی که معمولاً مرکب از سه دسته و کوچک تر از گردان است.

کلمات هم آوا:

۱. آمر: فرمان دهنده/عامر: آبادگر	۳. ثنا: ستایش/سنا: روشنی، بلندی	۴- امارت: فرمان روایی/عمارت : ساختمان
۲- اساس: بنیاد/اثاث: لوازم خانه	۵- ثواب: پاداش/صواب: درست	۶- حوزه: ناحیه/حوضه: زمین های اطراف رود
۷- تحلیل: بررسی و حل کردن/تهلیل: لاله الا اله گفتن	۸- نواحی: ناحیه ها/نواهی: نهی شده ها	۹- مامور: امر شده/معمور: آباد شده

۱۰- فراغ : آسایش / فراق : جدایی	۱۱- غذا : خوراک / غذا : جنگ قضا : سر نوشت	۱۲- غالب : چیره ، پیروز / قالب شکل :
۱۳- خار : تیغ / خوار : ذلیل	۱۴- خاستن : بلند شدن / خواستن : طلبیدن	۱۵- حیاط : فضای سر گشاده / حیات : زندگی
۱۶- حول : پیرامون / هول : ترس	۱۷- خُرد : کوچک / خورد : میل کرد	۱۸. ذلیل : خوار / ضلیل : گمراه
۱۹. سبا : یمن / صبا : باد شرقی	۲۰. سیف : شمشیر / صیف : تابستان	۲۱. غربت : دوری / قربت : نزدیکی
۲۲. غدر : حيله / قدر : ارزش	۲۳. گزاردن : انجام دادن / گذاردن : قرار دادن	۲۴- متبوع : مورد تبعیت / مطبوع : خوشایند ، چاپ شده
۲۵- مطبوع : خوشایند ، چاپ شده / منصوب : گماشته شده	۲۶. سفر : مسافرت / صفر : ماه قمری	۲۷- حذر : پرهیز / حضر : ماندن (مقابل سفر)
۲۸- جذر : ریشه / جزر : پایین آمدن آب دریا	۲۹. تالم : در دناکی / تعلم : یاد گرفتن	۳۰- بحر : دریا / بهر : برای
۳۱- انتساب : نسبت دادن / انتصاب : گماشتن	۳۲- الم : درد / علم : پرچم	۳۳- ثمن : قیمت ، ارزش / سَمَن : نام گل
حور : زن زیبا / هور : خورشید	اشباح : سایه ها / اشباه : همانندها	حزم : دور اندیشی / هضم : گوارش هزم : شکست دادن

نکته : واژه های هم آوا از مباحث دشوار املائی است و شناخت شکل درست آن ها به همراه معنی شان به شما در صحیح نوشتن کمک می کند .

کلمات چند تلفظی : کلماتی هستند که به دو شکل تلفظ می شوند و هر دو شکل تلفظ آنها صحیح است.

مثال : یادگار : یاد + گار / یا + د + گار مثال : آشنا : آش + نا / آ + ش + نا

مثال : آشکار : آش + کار / آ + ش + کار مثال : رستگار : رست + گار / رس + ت + گار

** «استوار ، مستمند ، آسمان ، مهربان» برای هر کدام دو تلفظ صحیح ارائه کنید.